



رئاسة الشؤون الدينية
بالمسجد الحرام والمسجد النبوي

حکم سحر و پیشگویی و آنچه به آنها مربوط است

فارسی

فارسي

حکم السحر والكهانة وما يتعلق بها



تالیف

عبد العزيز بن عبد الله بن باز
رحمه الله

حکم السّحر والكهانة

وما يتعلق بها

حکم سحر و پیشگویی

و آنچه به آنها مربوط است

علامه شیخ

عبد العزیز بن عبد الله بن باز

رحمه الله

بسم الله الرحمن الرحيم

حکم سحر و پیشگویی و آنچه به آنها مربوط می‌شود^(۱)

ستایش تنها از آن الله است، و درود و سلام بر آنکه پیامبری پس از او نیست، و بر آل و اصحاب او باد، اما بعد:

با توجه به افزایش تعداد جادوگرانی که اخیراً ادعای طبابت و درمان بیماری‌ها نموده، و به وسیله سحر و جادو یا رمالی سعی در درمان بیماری‌ها دارند، و گسترش این افراد در برخی کشورها و بهره‌برداری آن‌ها از افراد ساده لوح و ناآگاه، بر خود لازم دانستم که برای خیرخواهی نسبت به دین خداوند و بندگانش خطرات بزرگ این کار را بر اسلام و مسلمانان روشن کنم؛ زیرا این اقدامات موجب وابستگی به

(۱) این وصیت در کتابچه شماره ۱۷ از سوی «ریاست عمومی ادارات پژوهش‌های علمی، افتاء، دعوت و راهنمایی» در سال ۱۴۰۲ هـ منتشر شده است.

غیر خداوند شده، و مخالف دستورات خداوند و پیامبر صلی الله علیه وسلم است.

با استعانت و یاری جستن از خدای تعالی می‌گوییم: درمان به‌طور کلی جایز است و مسلمان می‌تواند به متخصص بیماری‌های داخلی، جراحی، عصبی و امثال آن مراجعه کند تا بیماری‌اش تشخیص داده شود و با داروهای مجاز شرعی درمان شود، زیرا این امر ضمن استفاده از اسباب عادی است و با توکل بر خداوند منافاتی ندارد. خداوند متعال بیماری را نازل نموده و درمان آنرا نیز فرستاده است، برخی‌ها آنرا می‌دانند و برخی هم نمی‌دانند، اما خداوند شفای بیماری را در آنچه بر بندگانش حرام نموده قرار نداده است.

بنابراین جایز نیست که بیمار به رمالانی مراجعه کند که ادعای دانستن غیب دارند تا بیماری خود را از آنان جویا شود، همچنین جایز

نیست گفته‌های آنان را تصدیق کند، زیرا آنها از روی حدس و گمان سخن می‌گویند، یا اینکه از جن برای خواسته‌های خود کمک می‌گیرند. و حکم آنها اگر ادعای غیب بکنند کفر و گمراهی است. در صحیح مسلم از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شده است که ایشان فرمودند: «هر کسی نزد رمال [فالگیری] برود و از او چیزی را پرسد، نماز چهل روز او قبول نمی‌شود».

و از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت است که فرمودند: «کسی که نزد کاهن بیاید و سخنان او را تصدیق کند، به آنچه بر محمد نازل شده [یعنی قرآن] کفر ورزیده است»، روایت ابوداود است، و اصحاب سنن اربعه این حدیث را روایت کرده اند، و حاکم نیز آنرا با لفظ زیر صحیح دانسته است: «کسی که نزد رمال و

کاهنی بیاید، و سخنان او را تصدیق کند، به آنچه بر محمد نازل شده [یعنی قرآن] کفر ورزیده است».

از عمران بن حُصَین رضی الله عنه روایت است که گفت: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «کسی که فال بگیرد یا برایش فالگیری کنند، یا غیگویی کند یا برایش غیگویی کنند، یا جادوگری کند یا برایش جادوگری کنند از ما نیست؛ و هر کسی نزد غیگویی برود و سخن او را تصدیق کند؛ همانا به آنچه که بر محمد صلی الله علیه و سلم نازل شده [یعنی قرآن] کافر شده است». روایت بزار با سند خوب.

این احادیث شریف بر نهی از رفتن پیش فالگیران و رمالان و جادوگران و امثالها، و کمک خواستن از آنان، و تصدیق و باور کردن سخنانشان، و وعید نسبت به آن دلالت دارد.

نباید فریب راست گفتن آنان در برخی امور، و همچنین زیاد بودن

افرادی که نزدشان می‌آیند را خورد، زیرا این افراد نادان هستند و درست نیست که فریب آنان را خورد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم از رفتن نزد آنها و کمک خواستن از این افراد و باور کردن سخنانشان منع نموده چرا که این کار منکر و خطر بزرگی است که عواقب وخیمی دارد و این افراد دروغگو و فاجر هستند.

همچنین در این احادیث دلیل روشنی است بر کفر کاهن و ساحر؛ زیرا آنها ادعای دانستن غیب دارند و این خود، کفر است، زیرا آنها به مقصد و هدف خود نمی‌رسند مگر با خدمت کردن به جن و عبادت کردن او، و این کفر و شرک به خدای سبحان است، و کسی که ادعای غیب دانستن آنان را تصدیق و باور کند همانند آنها است، همچنین هر کسی که از آنهایی که چنین کارهایی می‌کنند چیزی بیاموزد، پیامبر صلی الله علیه وسلم از ایشان بیزار است.

همچنین جایز نیست که مسلمان به آنچه آنها به عنوان درمان می‌نامند، مثل استفاده از طلسم‌ها یا ریختن سرب و امثال آنچه که به عنوان خرافات مطرح می‌کنند، اعتماد کند. زیرا این کارها جزو جادوگری و فریب دادن مردم است و کسی که راضی به انجام چنین کارهایی باشد، به باطل آنها کمک نموده و در کفر و فساد آنها مشارکت کرده است.

همچنین هیچ مسلمانی نباید برای پرسیدن از آنها درباره اینکه پسر یا نزدیکش را به ازدواج چه کسی در بیاورد یا درباره روابط محبت، وفاداری، دشمنی یا جدایی بین زن و شوهر و خانواده‌هایشان و همانند آن به آنها مراجعه کند، زیرا این‌ها از امور غیبی هستند که جز خداوند کسی از آن‌ها آگاه نیست.

بنابراین، بر مسئولان امور، نهادهای نظارتی و سایر کسانی که قدرت

و توان دارند، واجب است که از مراجعه به کاهنان و رمالان و کسانی که چنین کارهایی می‌کنند جلوگیری کنند. و باید با کسانی که در بازارها و مکان‌های عمومی به چنین کارهایی مشغول هستند برخورد کنند، و شدیدترین انکار را نسبت به آنها و کسانی که نزدشان می‌آیند داشته باشند.

بنابراین، سحر و جادو از کارهای حرام کفرآمیز است؛ همانگونه که خداوند عز و جل در مورد آن دو فرشته می‌گوید:

﴿...وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۰۲]، یعنی: (والی آن دو فرشته] به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند مگر اینکه [قبلاً از روی

خیرخواهی به او] می گفتند: «ما وسیله آزمایش هستیم؛ پس [با به کار بستن سحر] کافر نشو». [یهودیان] از آن دو [فرشته] چیزهایی می آموختند که [بتوانند] توسط آن میان مرد و همسرش جدایی افکنند؛ هر چند بدون اجازه الله نمی توانستند به وسیله آن به کسی زیان برسانند؛ و چیزی می آموختند که [فقط] به آنان زیان می رساند و [هیچ] سودی به آنان نمی بخشید؛ و قطعاً [یهودیان] می دانستند که هر کس [مشتاق و] خریدار آن [جادوها] باشد، در آخرت بهره ای نخواهد داشت. اگر [حقیقت را] می دانستند، [متوجه می شدند که] چه بد و زشت بود آنچه خود را به آن فروختند!).

این آیات شریفه نشان می دهند که سحر کفر است و جادوگران بین انسانها و همسرانشان جدایی می اندازند. همچنین نشان می دهند که سحر اثر خود را به خودی خود نمی گذارد، نه نفعی دارد و نه ضرری، بلکه تنها با اجازه و تقدیر الهی مؤثر است، زیرا خداوند متعال است که

خیر و شر را آفریده است.

این آیه کریمه همچنین نشان می‌دهد که کسانی که سحر می‌آموزند، تنها آنچه که به آنها ضرر می‌رساند و سودی نمی‌رساند می‌آموزند و هیچ بهره‌ای نزد خداوند نخواهند داشت، (یعنی هیچ‌گونه بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت) و این تهدیدی بزرگ است که نشان می‌دهد خسارت آنها در دنیا و آخرت بسیار شدید است و آنها خود را به کمترین بها فروخته‌اند. به همین دلیل خداوند متعال آنها را نکوهش نموده و فرموده است: ﴿...وَلَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ﴾ [البقرة: ۱۰۲]، یعنی: (چه بد و زشت بود آنچه خود را به آن فروختند!)، و شراء در اینجا به معنای فروختن است.

و به‌راستی که ضرر بزرگی به وجود آمده و مصیبت شدیدی از سوی این دروغ‌پردازان که این علوم را از مشرکان به ارث برده‌اند و با آن بر

ضعیفان عقل پوشانده‌اند ایجاد شده است. پس اِنَّا لِلّٰهِ و اِنَّا اِلَيْهِ راجعون. تنها خداوند کافی است و او بهترین وکیل است.

از خداوند عافیت و سلامتی از شر جادوگران، کاهنان و سایر رمالان را می‌خواهیم، و از او درخواست می‌کنیم که مسلمانان را از شر آنها محفوظ بدارد و حکام مسلمانان را به احتیاط در برابر آنها و اجرای حکم خدا در حقشان توفیق دهد تا بندگان از ضرر و اعمال ناپاک آنها راحت شوند. او بخشنده و سخاوتمند است.

خداوند متعال از روی لطف خود به بندگان و جهت کامل کردن نعمت‌هایش برای آنها، آنچه آنها را از شر سحر پیش از وقوع آن حفظ می‌کند برایشان مقرر کرده و همچنین آنچه را که بعد از وقوع سحر برای درمان به کارشان می‌آید معرفی کرده است.

در ادامه، به ذکر چیزهایی که برای پیش‌گیری از خطر سحر قبل از

وقوع آن مفید است، و همچنین روش‌های درمانی آن پس از وقوع، که از لحاظ شرعی مباح است می‌پردازیم و بیان آن به شرح زیر است:

اولا: آنچه که برای پیشگیری از خطر سحر قبل از وقوع آن مفید است؛ مهم‌ترین و مفیدترین آن این است که با ذکرهای شرعی و دعاهای معتبر و تعویذات^(۱) صحیح از خود محافظت کنیم. از جمله این ذکرها، خواندن آیت الکرسی - که با عظمت‌ترین آیه قرآن است - پس از هر نماز واجب بعد از سلام، و این آیه است: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا

(۱) مراد از تعویذات در اینجا دعاهایی است که در آن لفظ «اعوذ و نعوذ» آمده است نه آنچه امروزه در مناطق فارسی زبان به تعویذ مشهور است که قطعه‌ای است که دور گردن یا به بازو آویزان می‌کنند. در زبان عربی به این قطعه تمیمه می‌گویند و شریعت از آویزان کردن آن نهی کرده است.

خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿۲۵۵﴾ [البقرة:
۲۵۵]، یعنی: (الله [معبودِ راستین است؛] هیچ معبودی [به حق] جز او
نیست؛ زنده پاینده [و قائم به ذات] است؛ نه خوابی سبک او را فرا
می گیرد و نه خوابی سنگین؛ آنچه در آسمانها و زمین است، از آن
اوست. کیست که نزد او جز به فرمانش شفاعت کند؟ گذشته و آینده
آنان [بندگان] را می داند و [آنان] به چیزی از علم او احاطه [و آگاهی]
نمی یابند، مگر آنچه خود بخواهد. کرسی او آسمانها و زمین را در بر
گرفته است و نگهداشتن آنها بر او [سنگین و] دشوار نیست و او
بلندمرتبه [و] بزرگ است، و خواندن آن نیز: هنگام خواب [سنت
است]، زیرا در حدیث صحیحی از رسول الله صلی الله علیه وسلم
آمده است که فرمودند: «هر کسی آیت الکرسی را در شب بخواند،
خداوند او را حفظ می کند و شیطان تا صبح به او نزدیک نمی شود».

از جمله آن خواندن: سوره ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ است، و خواندن سوره ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْقَلْقِ﴾ و خواندن سوره ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ التَّائِبِ﴾، بعد از هر نماز فرض، و خواندن این سه سوره سه مرتبه در اول روز بعد از نماز صبح، و در اول شب بعد از نماز مغرب.

همچنین خواندن دو آیه آخر سوره بقره در اول شب که عبارتند از این فرموده‌های خداوند: ﴿أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾ [البقرة: ٢٨٥]، یعنی: (رسول [الله] به آنچه از [سوی] پروردگارش بر او نازل شده ایمان آورده است و مؤمنان [نیز] همگی به الله و فرشتگان و کتاب‌ها و پیامبرانش ایمان آورده‌اند؛ [و رسول و مؤمنان گفتند]: میان هیچ‌یک از پیامبرانش فرق نمی‌گذاریم [و به همه شان ایمان داریم]. و

گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا، آمرزش تو را [خواهانیم] و بازگشت [تمام امور] به سوی توست). تا پایان سوره.

و به دلیل آنچه به صورت صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است که فرمودند: «هر کسی دو آیه آخر سوره بقره را در شب بخواند او را کفایت می کنند»، معنای این روایت - والله اعلم - این است که این دو آیه او را از هر شر و آسیبی حفظ می کند.

و بسیار پناه بردن به «کلمات کامل خداوند از شر هر آنچه آفریده است» در شب و روز و هنگام ورود به هر مکانی چه در خانه، چه در بیابان، چه در هوا و چه در دریا است، چرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: (هر کسی در مکانی اتراق کرد، و گفت: «أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ»، (پناه می برم به کلمات کامل

الله از شر آنچه آفریده است)، تا زمانی که او در این مکان اتراق دارد، هیچ چیزی به او زیان نمی‌رساند).

همچنین از دیگر اعمالی که توصیه شده، این است که مسلمان در آغاز روز و آغاز شب سه بار بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» یعنی: (به نام الله که با نام او چیزی در زمین و آسمان ضرر نمی‌رساند؛ و او شنوای داناست).

زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم طبق روایت صحیح به گفتن آن تشویق نموده‌اند، و گفتن آن سبب سلامتی از هر گزند می‌شود.

دوم: روش‌های درمان سحر پس از وقوع آن، که شامل چندین مورد است:

نخست: فراوان به درگاه الله دعا کردن و از او سبحانه خواستن که

ضرر و سختی را برطرف کند.

دومین روش: تلاش برای یافتن مکانی که طلسم در زمین، کوه یا هر جای دیگری قرار داده شده است؛ که اگر مکان آن پیدا شد و طلسم از بین برده شود، سحر باطل می‌شود، و این از مؤثرترین درمان‌های سحر است.

سومین: رقیه با اذکار و اوراد شرعی، که بسیارند؛ از جمله:

آنچه از کلام رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت است:

«اللَّهُمَّ رَبَّ النَّاسِ أَذْهِبِ الْبَأْسَ، وَاشْفِ أَنْتَ الشَّافِي، لَا شِفَاءَ إِلَّا شِفَاؤُكَ، شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُ سَقَمًا» یعنی: (خدایا پروردگار مردم، درد را برطرف کن و شفا بده که خودت شفا دهنده‌ای، هیچ شفایی جز شفای تو نیست، شفایی بده که هیچ دردی را باقی نگذارد). سه مرتبه این دعا را می‌خواند.

از جمله دعایی که جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه وسلم خواندند:
«بِسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ، مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ، مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ، أَوْ عَيْنٍ
حَاسِدٍ، اللَّهُ يَشْفِيكَ، بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ» یعنی: (بنام الله از هر چه اذیت
می‌کند مداوایت می‌نمایم، از شر هر نفس یا چشم حسود، الله تعالی
شفایت می‌دهد، بنام الله مداوایت می‌کنم). این را سه بار تکرار
می‌کند.

از جمله روش‌های درمانی که برای مردی که از همبستری با
همسرش محروم شده مفید است این است که هفت برگ از سدر سبز
را گرفته، با سنگ یا چیزی مشابه آن به خوبی خرد کند و در ظرفی
بریزد، سپس مقداری آب به آن اضافه کند تا برای غسل کافی باشد و
در آن آیات زیر را بخواند: آیت الکرسی، و ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾

و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾، و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ
التَّائِبِ﴾.

و آیات سحر در سوره اعراف که عبارتند از این فرموده خداوند:
﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾
فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَعُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا
صَاغِرِينَ ﴿١١٩﴾﴾ [الأعراف: ۱۱۷-۱۱۹]، یعنی: (و [ما] به موسی وحی
کردیم که: «عصایت را بینداز»). ناگهان آن [عصا، به مار بزرگی تبدیل
شد و] آنچه را به دروغ ساخته بودند، فرو بلعید. پس حقیقت آشکار
گردید و آنچه می کردند باطل شد. و [فرعون و فرعونیان همگی در]
آنجا شکست خوردند و خوار گردیدند).

همچنین آیات سوره یونس، و این فرموده خداوند: ﴿وَقَالَ فِرْعَوْنُ
اِئْتُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا

مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٨٠﴾ فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٨١﴾ وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ﴿٨٢﴾ [یونس: ۷۹-۸۲]، یعنی: (و فرعون گفت: تمام جادوگران [ماهر و] دانا را نزد من بیاورید. وقتی جادوگران آمدند، موسی به آنان گفت: آنچه [از وسایل جادو] می‌خواهید بیفکنید، [اکنون] بیفکنید. هنگامی که افکندند، موسی گفت: «آنچه آورده‌اید، جادوست. یقیناً الله آن را باطل خواهد کرد. بی‌تردید، الله کارِ مفسدان را اصلاح نمی‌کند. و الله با سخنان خویش حق را [ثابت و] پایدار می‌کند؛ هر چند که مجرمان نپسندند).

و آیات سوره طه:

﴿قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ﴾ ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ ﴿٦٦﴾

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ﴿٦٧﴾ فُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٦٨﴾
وَأَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلْقَفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سَاحِرٍ وَلَا
يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٦٩﴾ [طه: ۶۵-۶۹]، یعنی: [جادوگران]
گفتند: ای موسی، آیا تو [آنچه را با خود داری] می‌افکنی یا [ما]
نخستین کسی باشیم که می‌افکند؟ [موسی] گفت: «[نه]، بلکه، شما
بیفکنید». ناگاه ریسمان‌ها و چوبدستی‌های آنان از جادویشان چنان به
نظرش رسید که گویی به شتاب می‌خزند. پس موسی در دلش ترسی
احساس کرد. گفتیم: ترس [که] تو قطعاً [پیروز و] برتری. و آنچه را
که در دست راست خود داری بیفکن تا [تمام] آنچه را که ساخته‌اند
بیلعد. بی‌تردید، آنچه آنان ساخته‌اند، فقط نیرنگِ جادوگر است و
جادوگر هر جا که باشد [و هر چه کند]، پیروز نمی‌گردد).

بعد از خواندن این آیات در آب، باید سه بار از آن بنوشد و بقیه آب
را برای غسل استفاده کند و بدین ترتیب، به‌خواست خدا بیماری

برطرف خواهد شد. اگر نیاز به استفاده از آن دو بار یا بیشتر باشد، مشکلی نیست تا زمانی که بیماری از بین برود.

این اذکار و تعویذات و روش‌ها از بزرگ‌ترین وسایل برای پیشگیری از شر سحر و سایر شرور هستند، و همچنین بزرگ‌ترین سلاح برای برطرف کردن سحر پس از وقوع آن می‌باشند؛ برای کسی که با صدق و ایمان و اعتماد به خدا و تکیه بر او و با دل گشاده به آنچه که در آن ذکر شده، آنها را رعایت کند.

این‌ها برخی از روش‌های پیشگیری و درمان سحر بود که بیان شد و خداوند صاحب توفیق است.

و در اینجا مسئله مهمی مطرح می‌شود، و آن درمان سحر با روش‌هایی است که جادوگران انجام می‌دهند که همان نزدیک شدن به جن‌ها به وسیله قربانی کردن یا دیگر اعمال قربانی است؛ این کار جایز نیست؛

زیرا از اعمال شیطان است؛ بلکه از شرک بزرگ به شمار می‌آید.

همچنین درمان آن با پرسیدن از کاهنان، رمالان و جادوگران و استفاده از آنچه می‌گویند، جایز نیست، زیرا آنها به خدا ایمان ندارند و دروغگو و فاسق هستند که ادعای علم غیب می‌کنند و مردم را فریب می‌دهند. پیامبر صلی الله علیه وسلم از رجوع به آنها، پرسیدن از آنها و تصدیق گفته‌هایشان نهی کرده‌اند، همانطور که در ابتدای این رساله توضیح داده شد.

پس واجب است که از آن بر حذر باشیم، و همچنین در روایت صحیح از پیامبر صلی الله علیه وسلم نقل شده است که از او درباره «نشرة» (باطل کردن طلسم با طلسم) پرسیدند و ایشان فرمودند: «این از اعمال شیطان است»، روایت امام احمد و ابوداود با سند صحیح.

«نشرة» به معنای باطل کردن طلسم از شخص طلسم شده است، و

منظور پیامبر صلی الله علیه وسلم از این سخن، «نشرة» ای است که اهل جاهلیت انجام می دادند، یعنی درخواست از جادوگر برای باطل کردن طلسم یا باطل کردن آن با طلسم دیگری از جادوگر دیگر. اما باطل کردن طلسم با استفاده از رقیه و معوذات شرعی و داروهای مجاز، اشکالی ندارد، همانطور که پیشتر گفته شد.

همانطور که علامه ابن قیم، و شیخ عبد الرحمن بن حسن در کتاب فتح المجید رحمهما الله و دیگر علما به آن تصریح کرده اند.

از خداوند متعال می خواهیم که مسلمانان را از هر بدی محفوظ بدارد، دینشان را حفظ کند، آنها را در درک آن آگاه کند و از هر آنچه که مخالف شرع است، عافیت و سلامتی دهد.

و درود و سلام الله بر بنده و پیامبرش محمد و بر آل و اصحاب او

باد.



رسالة الحرمين

پیام الحرمین

محتوای راهنما برای زیارت کنندگان مسجدالحرام و مسجدالنبی به زبان‌های مختلف

